

تحولات ساختاری و جایگاه سیاستگذاری

رویکرد کشورهای در حال توسعه

دکتر غلامحسن عبیری

مقدمه

تغییرات اقتصادی

تحولات ساختاری، تاثیر گسترده‌ای بر مسایل اقتصادی دارند. نتایج حاصله در ساختار اقتصادی عمدتاً مسایل زیر را دربرمی‌گیرد:

- ۱) جریان داده‌ها و ستانده‌ها.
- ۲) قیمت‌ها.
- ۳) کارایی اقتصادی.
- ۴) توزیع درآمد.

تغییرات وسیعی که در جهان امروز به‌وقوع پیوسته و فناوری‌های جدیدی را به مردم جهان عرضه داشته، روابط و ساختار کشورهای مختلف را به شیوه‌های متفاوتی تحت‌تاثیر قرار داده است. کشورهای در حال توسعه نیز در این فرآیند، با تحولات زیادی در الگوهای مصرف، شیوه‌های سرمایه‌گذاری، ارتباطات اجتماعی و صدها مساله دیگر روبرو شده‌اند و بدیهی است که انتظار از این تغییرات، همانا بهبود زندگی اجتماعی مردم و ارتقای سطح رفاه عمومی است.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که این پدیده، به صورت یکسانی نظام‌ها را تغییر نداده و مقاومت‌های متفاوتی را به‌وجود آورده است. به عنوان مثال، پدیده فساد و ارتشا در کشورهای در حال توسعه به صورت یک معضل بزرگ مطرح شده و برای بهبود شرایط، الگوهای تغییرات ساختاری متفاوتی در پیش روی سیاستمداران قرار گرفته است. ایران نیز تحت‌تاثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری، زمینه تفسیر و اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی را در حوزه وظایف دولت و بخش خصوصی قرار داده و می‌رود که "قانون ضدانحصار" را نیز به تصویب رساند. در این میان، انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و انحلال یا ادغام شورای پول و اعتبار هم بخشی کوچک از تغییرات پیش روی دولت بشمار می‌روند.

در این شرایط، جایگاه سیاستگذاری در تحولات ساختاری، موضوع قابل‌توجه کارشناسان و کارگزاران سیاسی - اقتصادی است. در این زمینه شناخت تصویری کلان از مسایل اقتصادی - سیاسی اهمیت خاصی دارد و لازم است که توجه دولتمردان به این پدیده جلب شود. درک این موضوع ضرورت توجه به نظریه سیستم‌ها و مدل‌ها را بیش از پیش با اهمیت می‌نماید. انتظار می‌رود که محققان و کارشناسان صاحب‌نظر، توجه خود را به این تحولات معطوف دارند و تلاش خود در زمینه دستیابی به راهکارهای منطقی را منسجم‌تر سازند.

محیط سیاسی تحت‌تاثیر شرایط مادی است و شرایط مادی نیز متاثر از فرایندهای حاصله از اقتصاد می‌باشد.

مسایل اقتصادی فوق تحت‌تاثیر فرایندهای سیاسی هم هستند، اما بر شرایط مادی ساختار اثرگذار عمل می‌کنند. حال اگر این اثرگذاری چندان مطلوب نبوده، علت آن، وجود عدم‌اطمینان (Uncertainty) در زبان برنامه‌ریزی بوده است. غالباً زبان برنامه‌ریزی مملو از مفاهیم، نمادها، دکترین، اهداف و نگرش‌هایی است که هریک به تنهایی می‌تواند برنامه‌ریزی را از اهداف اصلی خود دور کند.

معمولاً نظام برنامه‌ریزی ریشه در تفکر انتقادی - فنی - (Technical rational Thinking) گذشته دارد، یعنی زمانی که آشنایی با ابزارهای نوین وجود نداشته و لذا هزینه فرصت از دست‌رفته مسایل پیچیده قابل‌لمس نمی‌باشد^(۱) (۲۰۰۳ - DeRoo). واژه "دکترین" هم به باورهای ضمنی ما برمی‌گردد که کمابیش ثابت هستند. این بدان معنی است که واژه‌هایی مانند شهری (Urban) می‌توانند دکترین بشمار آیند، اما این واژه‌ها به میزان قابل‌توجهی گنگ و مبهم می‌باشند. برای مثال، واژه "دانشگاه" یا "دانشگاهی" هنوز مفهوم نیست و بارمفهومی واقعی خود را نمی‌تواند به‌درستی منتقل نماید. همین امر باعث می‌شود که یک نهاد کلیدی در ساختار اقتصادی - اجتماعی، کارایی خود را از دست بدهد. اما مشکل اصلی از آنجا شروع می‌شود که نمی‌خواهیم بپذیریم که یک نهاد

چگونه می‌توان با کمترین هزینه، اصلاحات ساختاری را در کشورهای در حال توسعه نهادینه نمود؟

دو کشور در رتبه‌بندی جهانی، رده‌های هیجده و هفده را به خود اختصاص می‌دهند. برعکس، شیلی در مقابل مالزی موقعیت رقابت‌پذیری بهتری را به دست می‌آورد، یعنی رتبه بیست‌وسوم در مقابل بیست‌وچهارم. ایالات متحده رتبه دوم و فنلاند هم رتبه اول را به دست می‌آورند. این تفاوت‌ها معنی‌دار است و ترکیب عوامل اقتصادی را در ساختار منعکس می‌سازد. بنابراین، نباید با سهل‌انگاری، شرایط مادی جامعه را نادیده بگیریم.

شرایط مادی یک نظام اجتماعی تابع عوامل زیر است:

(الف) نتایج حاصله از اقتصاد.

(ب) فرایندهای سیاسی.

(پ) شرایط مادی.

(ت) حق انتخاب فناوری.

این عوامل با در نظر گرفتن مدل‌های انباشت سرمایه یا تغییر فناوری، معنی‌دار عمل می‌کنند. شاخص‌های اقتصادی^(۴) برای حفاظت از جامعه عمدتاً عبارتند از (DeRoo - ۲۰۰۷):

(۱) درصد شاغلان در دهک بالایی اشتغال در جامعه.

(۲) پرداخت ساعتی دستمزد برای نیازهای اولیه.

(۳) بیکاران واقعی که با شاخص‌های قومی و جنسیتی کنار گذاشته شده‌اند.

(۴) توزیع درآمد کارکنان که با موقعیت قومی و جنسیتی متمایز شده‌اند.

(۵) میانگین نرخ پس‌انداز خانوار.

(۶) اتکا به منابع محلی یا تجدیدشونده (Renewable) در اقتصاد.

(۷) درصد کودکانی که در شرایط فقر زندگی می‌کنند.

(۸) شکاف درآمدی خانوار.

(۹) هزینه‌های سرانه بهداشت.

(۱۰) هزینه‌های سرانه آموزش.

این شاخص‌ها می‌بایست تحت‌تأثیر سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرند و تحولات مثبتی را در ساختار ایجاد نمایند. اگرچه تمامی دولت‌ها در این زمینه تلاش می‌کنند، اما ضرورتاً نتایج حاصله مثبت نیست، و امکان بروز تعارض، بحران و تنش در نظام اجتماعی وجود دارد. بدیهی است که دلایل عدیده عدم توفیق دولتمردان در این فضای مادی قابل‌بررسی می‌باشند.

(Organization) دارای احساس است؛ اگرچه این احساس برای سرمایه‌های انسانی درون‌ساختار، قابل‌لمس نمی‌باشد (Albrow - ۱۹۹۷)^(۲).

قیمت‌ها هم اگرچه منعکس‌کننده روند عرضه و تقاضای کالاها و خدمات هستند، اما به شدت تحت‌تأثیر سیاست‌های اقتصادی و هزینه‌های عمومی قرار دارند. قیمت‌ها منعکس‌کننده ارزش‌های درون‌ساختاری یک نظام می‌باشند که هیچگاه نمی‌توانند در شرایط اطلاعات ناقص (Imperfect Information) معیارهای منطقی درون‌سیستمی را به‌نمایش بگذارند. از همین رو، قیمت‌ها با کارایی اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت رابطه‌ای توجیهی پیدا می‌کنند. در این فضا می‌توان ساختار اقتصادی را تابع عوامل زیر دانست:

(الف) شرایط مادی ساختار.

(ب) نتایج سیاسی نظام.

(پ) امکانات خارجی.

(ت) تکنانه‌های خارجی.

متغیرهای فوق با در نظر گرفتن ایستایی اقتصادی قابل‌بررسی می‌باشند. ایستایی اقتصادی، حوزه مدل‌های اقتصادی را در برمی‌گیرد که متأثر از شرایط مادی و امکانات خارجی مانند میانی تجاری می‌باشد. جریان داده‌ها و ستانده‌ها، شامل عوامل اقتصادی - نیروی کار و سرمایه از یکسو، و ستانده‌ها حوزه کالاها و خدمات تولیدشده بنگاه‌های اقتصادی را در برمی‌گیرد.

شرایط مادی

شرایط مادی حوزه عوامل اقتصادی را شامل می‌شود که محیط سیاسی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما متأثر از تغییرات اقتصادی است. حوزه دیگری که تحت‌تأثیر شرایط مادی قرار می‌گیرد، مدل‌های اقتصادی و مدل‌های تصمیم‌گیری سیاسی است. شرایط مادی شامل عوامل زیر است:

(۱) نیروی سرمایه و کار.

(۲) توزیع ثروت.

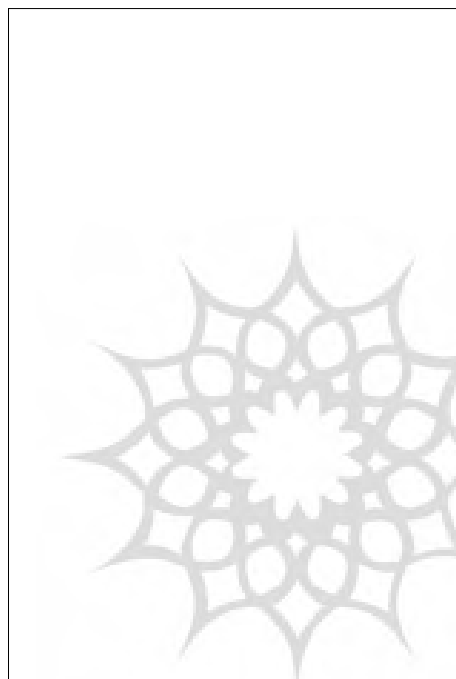
(۳) سطح فناوری.

(۴) فراوانی نسبی.

(۵) جمعیت.

هریک از عوامل فوق به‌تنهایی می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر بدنه نظام اقتصادی بگذارند. به‌علاوه، هر یک از این عوامل، مشخصه‌های توصیفی عدیده‌ای را شامل می‌شوند که شناخت آنها مستلزم صرف زمان و هزینه در ابعاد گسترده است.

از سوی دیگر، شرایط مادی فوق زمینه رقابت‌پذیری را در صحنه جهانی فراهم می‌کنند. مروری بر شاخص‌های اقتصادی رقابت‌پذیری در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که ترکیب عوامل اقتصادی فوق محیط رقابتی کشورها را دگرگون می‌سازد^(۳). امارات متحده عربی در سطح کره جنوبی رقابت‌پذیر عمل می‌کند و این



② افراد، گروه‌ها و اجتماعات بر مبنای ویژگی‌های محیط سیاسی، رویه‌های رفتاری خود را شکل می‌دهند و فرایند تحولات ساختاری را به چالش می‌کشند.

شکست بیشتر کشورهای در حال توسعه در برنامه‌های عمرانی و

توسعه‌ای، دلیلی بر این مدعا است که کشورهای مزبور روند ساخت

مدل‌های تصمیم‌گیری را با مفروضات زیربنایی قابل قبول

دنبال نکرده‌اند.

محیط سیاسی

محیط سیاسی دربرگیرنده عوامل زیر است:

- (۵) درصد مشارکت مردم در انتخابات.
 - (۶) میانگین همسایگانی که در محیط اجتماعی یکدیگر را می‌شناسند.
 - (۷) میزان استفاده از کتابخانه‌ها.
 - (۸) میزان مشارکت مردم در کارهای هنری.
 - (۹) احساس مردم از یک زندگی خوب.
 - (۱۰) درصد مشارکت افراد مسنی که وقت خودشان را به صورت رایگان صرف خدمات اجتماعی می‌کنند.
- این مشخصه‌ها تحولات مثبتی را در حوزه محیط سیاسی ایجاد می‌کنند و مقبولیت و مشروعیت قابل‌قبولی را برای دولتمردان و گروه‌های ذینفع به همراه خواهند آورد.

فرایند سیاستگذاری

مباحث مطرح‌شده در فوق، چرخه نتایج سیاستگذاری را تکمیل می‌کنند. خمیرمایه فرایندهای سیاسی از طریق عوامل زیر شناسایی می‌شود:

- (۱) حقوق اجتماعی (Rights).
 - (۲) نهادها (Institutions).
 - (۳) سیاست‌های اقتصادی (Economic Policies).
 - (۴) هزینه‌های عمومی (Public Expenditures).
- هریک از موضوعات فوق حوزه گسترده‌ای از حاکمیت یک نظام سیاسی را موردتوجه قرار می‌دهند. این مجموعه به‌شدت تحت‌تأثیر محیط سیاسی است و مقدمات تغییرات اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم کارایی اقتصادی بهبود یابد، باید ببینیم که موضوعات فوق چگونه می‌توانند مقدمات توزیع بهتر درآمد را فراهم سازند.
- بدیهی است که سیاست‌های اقتصادی، بخش مهمی از فرایندهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. این سیاست‌ها محورهای "هزینه‌های عمومی" را دگرگون می‌کنند. نهادها مانند دستگاه‌های دولتی نیز هدایت سیاست‌ها را عهده‌دار می‌شوند و حقوق اجتماعی زمینه‌ساز نهادها است.

آزادسازی نهادها از قیدوبند بوروکراسی، یک الزام است، اما این مهم با حذف نهادهای ستادی تحقق نمی‌یابد.

نتایج سیاستگذاری به‌طور متقابل مباحث نظری رفتار فردی، اجتماعی و گروهی را از یکسو، و تحولات فناوری را از سوی دیگر تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. دامنه اثربخشی و تأثیرپذیری چرخه مورد مطالعه، عملاً گسترده است و نمی‌توان این حرکت را با حذف یا جایگزینی یک مجموعه ایجاد کرد.

مواردی وجود دارد که گروه‌های ذینفع (Interest Groups) در جامعه‌ای نقش کلیدی‌تری را به‌عهده می‌گیرند و چرخه نتایج سیاستگذاری را تسریع یا کند می‌سازند. این موارد، در کشورهای در حال توسعه به‌دلیل تحولات مستمر قابل‌دیدن است و آثار مختلفی را بر روند اصلاحات برجای گذاشته است.

تغییرات در فرایند سیاستگذاری تحت‌تأثیر متغیرهای زیر است:

- (الف) نتایج سیاسی دوره قبل.
- (ب) محیط سیاسی.

در این محیط سیاسی، ماهیت دولت می‌تواند از یک دولت دموکرات تا یک دولت هرج‌ومرج‌طلب متغیر باشد. ساختار دولت هم توسط گروه‌های ذینفع، تفاهمنامه‌ها و ایدئولوژی‌ها ساخته و پرداخته می‌شود.

محیط سیاسی تحت‌تأثیر شرایط مادی است و شرایط مادی نیز متأثر از فرایندهای حاصله از اقتصاد می‌باشد. برای مثال، کارایی اقتصادی بر توزیع ثروت اثر دارد و توزیع ثروت نیز منافع گروه‌های ذینفع را در محیط سیاسی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. محیط سیاسی هم بر فرایندهای سیاسی تأثیرگذار است و یک مدار بسته بین تغییرات اقتصادی با شرایط مادی و محیط سیاسی با نتایج سیاستگذاری به‌وجود می‌آید. این سیکل می‌تواند به‌دلایل عدیده‌ای ناتوان باشد و نارسایی‌های هر بخش را به بخش دیگر منتقل سازد.

اگر بخواهیم کارایی اقتصادی بهبود یابد، باید از طریق فرایندهای سیاسی، مقدمات توزیع بهتر درآمد را فراهم سازیم.

ماهیت دولت در محیط سیاسی نیز تحت‌تأثیر رویه‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه است. سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری دولت‌ها محصول این فضای رفتاری است. افراد، گروه‌ها و اجتماعات بر مبنای ویژگی‌های محیط سیاسی رویه‌های رفتاری خود را شکل می‌دهند و فرایند تحولات ساختاری را به چالش می‌کشند.

در شرایط مثلث حکمرانی (۲۰۰۰ - Woltjer)، رقابت و هماهنگی و مناظره سه رأس مثلث حکمرانی را در فضای تفاهم برنامه‌ریزی تشکیل می‌دهند^(۵). بررسی این مثلث نشان می‌دهد که رقابت در فضای باز و قدرت‌گرا، هماهنگی در فضای بسته و قدرت‌گرا و همچنین رقابت و مناظره شکل می‌گیرد.

متغیرهای زیر تعیین‌کننده محیط سیاسی می‌باشند:

- (۱) شرایط مادی.
 - (۲) فرایندهای سیاسی.
 - (۳) ایده‌های نو.
- این متغیر تحت‌تأثیر نظریه‌های رفتاری قرار می‌گیرد. در جهان فراصنعتی امروز، رفتارهای فردی، اجتماعی و گروهی کاملاً از یکدیگر متمایزند و عمدتاً فناوری‌ها در جهت تقویت بستر فردگرایی بسیج شده‌اند. سیاست‌های حاصله بر نظریه‌های رفتاری تأثیرگذار عمل می‌کنند و خود نیز تحت‌تأثیر ایده‌های نوینی قرار دارند که حکمرانی خوب بر آن اساس شالوده ساختار را تعریف می‌کند.
- برخی از شاخص‌های فرهنگی تأثیرگذار در این محیط سیاسی عبارتند از^(۶):
- (۱) تنوع قومی در محیط‌های آموزشی.
 - (۲) میزان کار هنری که در هر هفته دانش‌آموزان تجربه می‌کنند.
 - (۳) میزان همکاری والدین در فعالیت‌های آموزشی.
 - (۴) درصد مشارکت جوانان در خدمات اجتماعی.

(پ) شرایط مادی.

(ت) تغییرات اقتصادی.

(ث) امکانات خارجی.

مدل‌ها در تحولات ساختاری سه نوع هستند:

(الف) مدل تصمیم‌گیری سیاسی.

(ب) مدل تصمیم‌گیری اقتصادی.

(پ) مدل‌های تجمیع.

مدل تصمیم‌گیری سیاسی، تحت‌تاثیر فرایندهای سیاسی شکل می‌گیرد و محیط سیاسی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. این مدل، چگونگی تصمیم‌گیری سیاسی را تعیین می‌کند و کلیدی‌ترین مدل در تحولات ساختاری است.

مدل تصمیم‌گیری اقتصادی در مقابل تحت‌تاثیر سه عامل زیر قرار دارد:

(۱) شرایط مادی.

(۲) امکانات خارجی.

(۳) رویدادهای غیرمنتظره.

شرایط مادی در بخش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفتند. این شرایط مهمترین گزینه در شکل‌دهی مدل اقتصادی می‌باشند، اما با وجود این، امکانات خارجی مانند تجارت، موقعیت شرکا و متحدان و سازمان‌های وام‌دهنده نیز نقش مهمی را در جهت‌یابی مدل اقتصادی بازی می‌کنند. همچنین رویدادهای غیرمنتظره و تکانه‌هایی مانند وقوع سیل، زلزله، توفان و... نیز از جمله عواملی هستند که روند مدل اقتصادی را تغییر می‌دهند و کارایی آن را با پرسش روبرو می‌سازند.

مدل تجمیع (Accumulation) مانند سرمایه‌گذاری یا تحولات فناوری، از جمله مدل‌های دیگری است که ساختار سیاسی به آن متکی است. این مدل‌ها تحت‌تاثیر انتخاب فناوری قرار دارند و دسترسی کشورهای در حال توسعه به این تکنولوژی‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری مدل تجمیع است. نمونه این مدل‌ها، شیوه انتخاب فناوری‌ها مانند نانو (Nano) یا بیو (Bio) است که در ساختار فعلی اقتصاد ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

از آنجا که چرخه تحولات ساختاری به اشکال مختلف با این مدل‌ها ارتباط برقرار می‌کند، لذا گرایش و اهمیت‌دادن به نوع این مدل‌ها حساسیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان نسبت به شکل‌گیری مدل‌ها بی‌تفاوت بود. اگرچه با صراحت نمی‌توانیم مدعی ضرورت سازگاری بین این مدل‌ها شویم، اما اگر مفروضات ساخت این مدل‌ها متفاوت و متعارض باشند، همسویی بین تحولات ساختاری و سیاست‌گذاری‌ها محدود خواهد بود.

این مدل‌ها هر یک در جایگاهی که قرار دارند، حکم یک برنامه را پیدا می‌کنند و ضمن تاثیرپذیری، تاثیرگذار نیز هستند. از این رو، توجه به بافت این مدل‌ها که تجلی آن را در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه می‌توان ردیابی کرد، از اهمیت بالایی برخوردار است. شکست بیشتر کشورهای در حال توسعه در برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای، دلیلی بر این مدعا است که مدلسازان روند ساخت مدل‌های تصمیم‌گیری را با مفروضات زیربنایی قابل‌قبول دنبال نکرده‌اند. از این رو، بروز ناسازگاری و در مواردی هم تضادهای بنیادی در شکل‌گیری مدل‌ها باعث شده است که یکپارچگی در تحولات ساختاری دیده نشود. این معضل می‌تواند محصول عدم همسویی بین گزینه‌های فناوری و ایده‌های رفتاری باشد.

مدل‌های تصمیم‌گیری، در واقع، شناسه دستگاه‌ها هستند و تبیین هویت نهادها مبتنی بر چرخه شکل‌گیری مدل‌ها دستخوش تغییر می‌شود. بنابراین، نباید نسبت به انتخاب نوع مدل بی‌تفاوت بود.

این عوامل در سایه "مدل تصمیم‌گیری سیاسی" فعال می‌شوند. این مدل تصمیم‌گیری در عمل با کاستی‌هایی روبرو است. این کاستی‌ها، ناشی از محدودیت‌های تصمیم‌گیری می‌باشند. مدل‌ها نمی‌توانند جامع عمل کنند، از اینرو، فرایند سیاست‌گذاری با تهدیدهای جدی روبرو است. برای مثال، افزایش قیمت بنزین در برمه (میانمار) زمینه اعتصابات گسترده را فراهم می‌سازد. این تصمیم، گروه‌های ذینفع را فعال ساخته، نگرانی‌هایی را در فرایند سیاست‌گذاری به وجود می‌آورد، در حالی که مشابه این تصمیم می‌تواند بدون تحریک عوامل، به وقوع پیوندد. بنابراین، این پرسش کماکان ذهن انسان را به خود مشغول می‌سازد که "چگونه می‌توان با کمترین هزینه، اصلاحات ساختاری را در کشورهای در حال توسعه نهادینه نمود؟"



② محیط سیاسی، در تعیین ماهیت دولت نقش اساسی دارد.

توجه به طبقه‌بندی‌ها در هریک از چهار مبحث کلیدی فوق، زمینه تسهیل در توضیح مسایل را فراهم می‌سازد، مشروط بر این که به صورت مستمر مسایل کلیدی جامعه بررسی شوند و نتایج آماری آنها جهت ارزیابی در اختیار صاحب‌نظران قرار گیرد. برای مثال، در ساختار اقتصادی ایران، می‌توان به مدل تصمیم‌گیری سهمیه‌بندی بنزین را اشاره کرد که دامنه گسترده‌ای از اثربخشی را بر فرایندهای مختلف بر جای گذاشت، اما هنوز اطلاعات طبقه‌بندی‌شده‌ای از نتایج در اختیار اهل نظر قرار نگرفته است.

مدل‌های تاثیرگذار

مدل‌ها، ابزارهایی هستند که زمینه تصمیم‌گیری در تحولات ساختاری را فراهم می‌سازند. این مدل‌ها، به شکل‌های مختلفی عرضه می‌شوند. در اساس،

رویکردهای قابل قبول

این اصول عمدتاً تحت‌تاثیر اقتصاد نیوکلاسیک قرار دارند و این مکتب محیط تحولات اقتصاد جهانی را به نحو مطلوبی تشریح می‌کند. قوانین عرضه و تقاضا در کشورهای در حال توسعه با محدودیت روبرو است، لذا شناخت مکانیسم تاثیرگذاری چندان روشن نیست. کشورهای در حال توسعه، در این فرایند نمی‌توانند تنها متکی بر مدل‌های ریاضی باشند و آثار و نتایج تصمیم‌گیری را پیش‌بینی کنند. لذا باید مبانی تحلیل فراسیستمی را مورد توجه قرار دهند.

راهکارها

در شرایط ایران که تحولات ساختاری‌اش در یکصد سال اخیر بسیار زیاد بوده است، بدون تردید آزادسازی نهادها از قیدوبند بوروکراسی یک الزام است، اما این مهم با حذف نهادهای ستادی تحقق نمی‌یابد، زیرا اصول پنجگانه فوق به‌هرحال، مسیر تعامل را طی خواهند کرد. این بدان مفهوم است که اصل جایگزینی را نمی‌توان نادیده گرفت. به‌طور همزمان، اصل هزینه فرصت از دست‌رفته هم تحت‌تاثیر اصل محدودیت منابع قرار گرفته و محیط رانت‌خواری را به‌وجود می‌آورد. در همین راستا اصل حق‌انتخاب از یک نهاد به نهاد دیگر واگذار می‌شود. بنابراین، الزام‌آور خواهد بود که اصل مزیت رقابتی را هم از یاد نبریم.

این موضوعات در چرخه تحولات، بازخوردهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. برای مثال، حذف همزمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در کنار شورای پول و اعتبار، مسوولیت خطیری را برای نهادهای جایگزین ایجاد می‌کند. در واقع، باید بپذیریم که "بحران‌ها" با حذف نهادها حل نمی‌شوند، بلکه شیوه رویارویی با بحران‌ها، به تغییرات جدید ساختاری بستگی دارد.

ساده‌اندیشی است اگر فکر کنیم که ساختار دیوانسالاری جامعه دیگر نیازی به خدمات کارشناسی برنامه‌ریزی و تخصیص منابع نخواهد داشت. البته این مهم می‌تواند از طریق "کمسیون برنامه‌ریزی" در ابعادی کوچکتر جایگزین شود. شکی نیست که ابعاد دولت ایران نسبت به تولید ناخالص ملی بسیار زیاد است، لذا کوچک‌سازی دولت باید به عنوان یک هدف درمناظر قرار داشته باشد، ولی این مهم باید از طریق اصل جایگزینی دنبال شود.

مباحث مطرح‌شده در بخش‌های فوق یک ارتباط سازمان‌یافته با یکدیگر دارند. این ارتباط با کوچکترین تحول ساختاری، تغییر می‌یابد و محیط عملکرد تصمیم‌گیری را دگرگون می‌سازد. بدیهی است که شناخت این ارتباط ارگانیک چندان ساده نیست و به صورت پویا، نوع تعامل خود را با محیط تغییر می‌دهد. برای مثال، استمرار پذیرش تورم دورقمی در هر دهه، یک تکانه در ساختار فرهنگی ایجاد می‌کند. حال، اگر این تکانه‌ها زیاد شوند، فروپاشی نهادها، اجتناب‌ناپذیر است. نمونه این دگرگونی، نهاد خانواده در ایران است. در این رابطه، رویکردی (Approach) قابل‌قبول است که زمینه رفاه عمومی و رشد اقتصادی را فراهم سازد. پیش‌فرض‌های این مساله هم امنیت اجتماعی و آزادی‌های فردی می‌باشند. در شرایط استعمار نو (Neo Colonialism) دستیابی به این رویکرد با دشواری‌های بیشتری روبرو است، به‌ویژه در شرایط امروز که جامعه فراسنعتی تسهیلات بیشتری را برای ابرقدرت‌ها در حکمرانی بر جامعه بین‌الملل ایجاد کرده است. همین امر رابطه بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی را با بحران روبرو ساخته، و تضاد گسترده‌ای را بین جوامع ثروتمند و فقیر ایجاد کرده است. بحران دارفور (در سودان)، مسایل فلسطین، عراق، افغانستان و ده‌ها کشور دیگر در شاخ آفریقا، نمونه‌هایی از عدم موفقیت رویکردهای سیاسی این جوامع می‌باشند. رویکردهایی مثل مالزی، کره جنوبی و ترکیه هم نمونه‌هایی از جواب‌های قابل‌قبول می‌باشند. در عمل، موفقیت در امر تحولات ساختاری یا عبور از مدار توسعه‌نیافتگی، مستلزم شناخت شیوه اثربخشی و تاثیرپذیری چرخه زیر است. این چرخه توسط مدل‌ها فعال می‌شود و در اثر رفتارهای ناموزون و شایعات، از حرکت بازمی‌ایستد و بحران ایجاد می‌کند. شایان ذکر است که سیکل‌های تجاری هم بخشی از تحولات مثبت و منفی را منعکس می‌سازند.

چرخه تحولات اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه

آثار سیاستگذاری

محیط سیاسی

نتایج اقتصادی

شرایط مادی

دوران این چرخه، اصول فرایند فعال‌سازی را به شرح زیر فراهم می‌کند^(۷):

۱) اصل جایگزینی.

۲) اصل حق انتخاب.

۳) اصل محدودیت منابع.

۴) اصل هزینه فرصت از دست‌رفته.

۵) اصل مزیت رقابتی.

- منابع
- 1) De Roo, G. /2003/ Environmental Planning in the Netherlands: Too Good to be True; From Comand and Control Planning to Shared Governance / Ashgate / Aldershot / U.K.
 - 2) Albrow, M./1997/ Do Organizations Have Feelings? / Routledge / New York.
 - 3) World Economic Forum / The Global Competition / 2005.
 - 4) Roo, G.D & Porter, G./2007/ Fuzzy Planning / Ashgate / P.92-3.
 - 5) Woltjer, J. / 2000 / Consensus Planning: The Relevance of Communication Planning Theory in Dutch Infrastructure Development / Aldershot / U.K.
 - 6) مراجعه شود به Roo - ۲۰۰۷.
 - 7) Ellis, Frank / 1993 / Peasant Economics / 2nd Edition / P.42-3 / Cambridge.